



ناگفته های پنهان و پیدای عرفان حلقه / صدور احکام قضایی رئیس فرقه عرفان حلقه

حمیدیان کارشناس فرق و ادیان نوظهور طی نشست در خبرگزاری مهر با حضور دو نفر از اعضای «انجمن نجات از حلقه» با بررسی احکام قضایی رئیس ...

در نشست مهر تبیین شد/

ناگفته های پنهان و پیدای عرفان حلقه / صدور احکام قضایی رئیس فرقه عرفان حلقه

حمیدیان کارشناس فرق و ادیان نوظهور طی نشست در خبرگزاری مهر با حضور دو نفر از اعضای «انجمن نجات از حلقه» با بررسی احکام قضایی رئیس فرقه نوظهور عرفان حلقه یا عرفان کیهانی، به بیان نکات پیدای و پنهان این فرقه پرداخت. به گزارش خبرنگار مهر، وی در ابتدای این نشست به محتوای جزوه ای اشاره کرد که اردیبهشت ماه گذشته از طرف پیروان این فرقه با عنوان «به جرم خداخواهی و انسان دوستی» در برخی از اماکن عمومی توزیع شده است.

رد ادعاهای تحصیلی رهبر فرقه عرفان حلقه

این کارشناس ادامه داد: در این جزوه به زندگینامه رهبر فرقه کیهانی اشاره شده است و عنوان کرده اند که "او بنیانگذار طب مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی است . وی در تاریخ 1335/1/1 در کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر تهران پشت سر گذاشته و تحصیلات تکمیلی خود را در کشور ترکیه دنبال کرده است؛ که در این مطالب اشکالاتی وجود دارد. اولاً این شخص در تحصیلات متوسطه خودش موفق نبوده است و هیچ مدرکی دال بر اتمام تحصیلات متوسطه تاکنون از وی مشاهده نشده است و حتی وی دقیقاً نمی داند کجا درس خوانده است و با بهانه های مختلف از بیان واقعیت سرباز می زند. اما تحصیلات تکمیلی قاعدتاً بعد از دیپلم انجام می شود و باید به این مسئله هم شک کرد زیرا در این جزوه عنوان شده است که او بعد از دیپلم در رشته مکانیک ادامه تحصیل داده است که واقعیت ندارد؛ چراکه خود ایشان طی صحبت هایی که داشته دو مطلب متفاوت گفته است، یکبار گفته و نوشته است که دو ترم رشته "آب و خاک" خوانده ام و یکبار دیگر نوشته است که 6 ترم "محیط" خوانده ام که اینها اصلاً ارتباطی با رشته مکانیک ندارد.

وی اعلام کرد: در ادامه جزوه عنوان شده است که رهبر فرقه به عنوان دانش آموز برتر ایران و با اخذ بورسیه تحصیلی از طرف نخست وزیر وقت-یعنی هویدا- راهی ترکیه شده است. در حالیکه وی از سال 64 تا 67 در ترکیه به سر برده است و قاعدتاً کسی که متولد سال 1335 است از زمان دانش آموزی اش سالها می گذرد! پس در سنی حدود 30 سالگی نمی توانسته به عنوان دانش آموز برتر به ترکیه برود. واقعیت مطلب این است که او به اختیار خودش به ترکیه رفته است و بورسیه نشده است و استعلامات از وزارتخانه های مربوطه اصلاً دانشجو بودن وی را در کشور ترکیه تأیید نمی کنند و چنین مطلبی دال بر بورسیه بودن وجود ندارد.

رهبر فرقه عرفان کیهانی و ادعای دستیابی به ساخت اسلحه در زمان جنگ

حمیدیان تأکید کرد: چند بار، چه در زمان دستگیری و چه در زمان آزادی با این فرد گفتگو شده است. وی بحثی را مطرح می کند که قابل اثبات هم نیست یعنی اینکه می گوید: من به کارهای صنعتی علاقمند بودم و مجله دانشمند را می گرفتم و یکبار هواپیمایی در خانه ساختم و به مدرسه ارائه کردم و به من جایزه دادند و یک سرهنگی هم به من گفت بیا ما تو را به آمریکا می فرستیم که تحصیل کنی، اما ظاهراً مادرش موافقت نمی کند و قضیه تمام می شود. جریان ترکیه رفتن رهبر این فرقه هم این گونه بوده است که اول به ژاپن می رود و مدعی است که برای تحصیل رفته است و این زمانی است که ژاپن رفتن در ایران بورس بود و افراد جویای کار می رفتند اما گویا چند ماه بیشتر در ژاپن نبوده و در این مدت نه درس خوانده و نه کار کرده است! سپس به ترکیه می رود و در صحبت هایش هیچ دلیلی مبنی بر اینکه در این کشور درس می خوانده ارائه نمی دهد و حاضر نیست بگوید در این سه سال که در ترکیه بوده، چه می کرده است و فقط می گوید من آنجا درس می خواندم و به خاطر انقلاب با استادم دعوایم شد و وسایلم را جمع کردم و به ایران برگشتم.

وی افزود: خب از او سوال می شود در ترکیه چه واحدهایی را گذراندی؟ چند تا درس عمومی مثل زبان و غیره را گذراندی؟ ولی حتی یک برگ از دوران دانشجویی هم مشاهده نمی کنید. حال بماند اسامی اساتید و رئیس دانشگاه و غیره. ادعای 6 ترم خواندن رشته محیط هم با رشته مکانیک کاملاً متفاوت است. لذا نمی توان به سیر زندگی منظمی از وی رسید. چراکه پر از ابهام و تناقض است! اینکه آیا دیپلم گرفتی؟ اگر گرفتی کجاست؟ اگر واقعاً درس خواندی باید به 4 تا سؤال تخصصی بتوانی جواب

بدهی. اینکه به جلسه‌ای در مجلس می‌روی و مدعی می‌شوی که مهندس مکانیک هستی، دروغ بزرگی است! ادعای اینکه ایشان خیلی خوش فکر است و تفکر صنعتی دارد و حتی در زمان جنگ اسلحه ساخته هم ادعایی بیش نیست و سابقه‌ای بطور مستند وجود ندارد و در حد حرف است! چون در هر حال در زمان جنگ ما به شدت به کسانی که خوش فکر بودند نیاز داشتیم و وزارت سپاه آن زمان به هر کسی که می‌توانست نارنجک بسازد امکاناتی می‌داد و در واقع سازندگی در جنگ به همین ترتیب ادامه پیدا کرد و اولین کسی که توانست نارنجک بسازد کارخانه حدید را راه اندازی کرد. ولی ایشان مدعی است که اسلحه ساخته است، پس کو، کجاست؟ حتی از وزارت مربوطه استعلامی در این رابطه صورت گرفته که اصلاً چنین چیزی تأیید نشده است!

عقاید رهبر و پیروان عرفان کیهانی ریشه ماتریالیستی دارد

این کارشناس فرقه‌های نوظهور تصریح کرد: در قسمتی از این جزوه یا بهتر بگویم شبنامه منتشره آمده است: رهبر فرقه حلقه به اینترنت کیهانی اعتقاد دارد و مدعی است که هوشمندی حاکم بر جهان یک "اینترنت کیهانی" است. این سخن گویای این است که وی هوشمندی را در قالب ماده توصیف می‌کند و نه در قالب شعور الهی. برخی به این مسئله قائلند که یک اینترنتی در گوشه‌ای از جهان وجود دارد که وقتی ما یک چیزی را یادمان می‌رود، حافظه ما می‌رود و مطلب را به آن اینترنت منعکس می‌کند و آن اینترنت پس از جستجو به ذهن برمی‌گردد و آن وقت است که مطلب یادمان می‌آید؛ اینجا صرفاً هوشمندی در قالب دستگاه توصیف می‌شود و در قالب یک موضوع ذی شعور الهی دارای قدرت قادر و توانا مطرح نمی‌شود و در قالب یک موضوع کیهانی است و این نشان دهنده اعتقادات مادی گرایانه و ماتریالیستی است.

وی افزود: ظاهراً مبنای فکری در این فرقه تفکرات ماتریالیستی دیالکتیکی است. این نوع مسائل در سخنان و تفکرات و کتابهایشان موج می‌زند. در جزوه‌ای که بدان اشاره شد اینگونه مطرح می‌کنند: "... این تفکر به هیچ قوم و ملیت و هیچ دین و مذهبی محدود نمی‌شود" خب، اشکال اصلی همین جاست. اگر اینها عرفان مطرح می‌کنند، اگر عرفان اسلامی است باید محدوده داشته باشد چون عرفان اسلامی اینگونه نیست که بودیسم و هندوئیسم و یهود و غیره را در برگیرد و هرچه در فرقه‌های دنیا وجود دارد را در خود بگنجانند و آن را در قالب عرفان تشیع بیاورد، خیر. ما یک عرفان تشیع داریم که حدود آن مشخص است و آن را هم قرآن و ائمه اطهار(ع) مشخص کرده‌اند. یا این چنین می‌گویند: "عرفان کیهانی منبعث از ایران و اسلام است" این عرفان، ایرانی بودنش چیست؟ وقتی می‌گوییم ایران، دو چیز مد نظر می‌آید یکی بحث شبه عرفان میترائیسم است و یکی حکمت خالده، که برخی مثل سیدحسین نصر به آن قائل هستند و حکمت جاودان حکمت خالده‌ای است که شاه و یا حاکم بر سرزمین را سایه خدا می‌داند، این حاکمیت، معنوی ولی بدون شریعت است، حاکم هر چه گفت را حرف خدا می‌دانند لذا با او می‌شود به نور نهایی رسید. خب اگر این هم باشد، ما با آن مخالفیم و عرفان اصیل اسلامی که همان عرفان تشیع هست، با این مطالب منافات دارد. ما حاکم و والی معنویت گرا ولی بی اعتقاد به شریعت نورانی اسلام را قبول نداریم. این همان حرف شبه عرفان‌های شرقی و غربی است که به دنبال معنویت بدون شریعت هستند!

رهبر فرقه تجربیات شخصی خود را بر روی انسانها امتحان کرده است/روان پریشی و بروز مشکلات خانوادگی نتیجه اعتماد به عرفان حلقه

حمیدیان یادآور شد: در ادامه این جزوه آمده است که "رهبر عرفان حلقه، بنیانگذار دو طب مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی، پس از یک دهه مطالعه تجربی بر این دو طب، دهه دیگری را صرف تنظیم و تبیین اساس نظری آنها کرد و سپس تصمیم گرفت دیگران را با دو روش آزموده شده خود آشنا سازد" در همین مطلب چند اشکال اساسی وجود دارد، اینکه یک دهه مطالعه تجربی کرده، مفهومش چیست؟ یعنی چیزی را که به دست آورده است و تنها خودش تجربه کرده، روی آدمها پیاده کرده است! این در حالی است که هیچکس حق ندارد تجربه فردی خود را روی انسانهای دیگر پیاده کند. بلکه باید لابراتوار داشته باشد و روی حیوانات آزمایش کند. و البته همه این مراحل باید با مجوز صورت گیرد. اما نه تنها آزمایشگاه نداشته بلکه آموزه‌های تجربی خودش را روی انسان امتحان کرده است و این خلاف مروت، انسانیت، عقل، دین، اخلاق و ... است و این کارها باعث روان پریشی و مشکلات خانوادگی در افراد می‌شود که متأسفانه خیلی‌ها روان پریش شده‌اند! (فرقه کیهانی برای توجیه خود به این روان پریشی برون ریزی می‌گوید و معتقد است که برون ریزی باعث اصلاح درون جسمی افراد می‌شود و اگر کسی خوب نشد می‌گویند این فرد یا از اول اشکال داشته و یا قسم خود را شکسته است و دیگر او را رها می‌کند.)

وی افزود: در ادامه این جزوه (شبنامه) به این مسئله اشاره شده است که افزایش متقاضیان برای فراگیری روش فرادرمانی، رهبر فرقه را بر آن داشت که برای برگزاری قانونی کلاسها و افزایش سطح آموزش و تحقیق، مؤسسه‌ای را به ثبت برساند. اما مطلب آنطور که در این جزوه آمده، نیست بلکه کار دریافت مجوز را به فرد دیگری واگذار کرده است که آن فرد نامه‌ای را از ستاد ائمه جماعات تهران به اداره ثبت می‌برد و اینگونه ثبت مؤسسه انجام می‌شود. اما تحقیقات نشان می‌دهد هیچ نامه‌ای در این زمینه در ستاد ائمه جماعات تهران وجود ندارد که این یعنی جعل سند. اشکال دیگر به این قسمت از بحث ثبت مؤسسه، این

است که آنها شماره ثبت می گیرند اما در مفاد آن هیچ اشاره ای به بحث فرادرمانی نشده است و صرفاً به تولیدات فرهنگی مثل فیلم، سرود، کلاس عرفان و... (کلاً کارهای فرهنگی) اشاره شده است نه امور درمانی و فرادرمانی. در مورد مجوز سازمان ملی جوانان هم باید گفت که تنها برای یک سال به آنها مجوز داده شد و دیگر تمدید نشد.

این کارشناس فرق نوظهور تأکید کرد: در ادامه این جزوه آمده است که تحت پوشش این مؤسسه "...کلاسهای عرفان کیهانی با هدف دستیابی به صلح با خود، با خدا و طبیعت و با دیگران برپا می شود" در اینجا مفهوم صلح با خود و دیگران و طبیعت مشخص است اما صلح با خدا یعنی چه؟ نه خدا با ما دشمنی دارد و نه ما با خدا دشمن هستیم و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم (طوعاً و کرهاً) تحت حکومت الهی قرار داریم و بنده خدا هستیم (لا یمکن الفرار من حکومتک) و این خطای اعتقادی و معرفتی است که بگوییم باید با خدا صلح کنیم! و البته اینجا صلح به معنای آشتی پس از قهر نیست بلکه به این معناست که او هست و من هم هستم پس باید به صلح برسیم تا هوای همدیگر را داشته باشیم (این تعبیری از صلح است که رهبر فرقه در برخی موارد بیان می کند)

کسب صلاحیت درمان بیماران با گذراندن 6 جلسه کلاس!

وی تصریح کرد: در این فرقه عنوان می شود که در 7 دوره 6 جلسه ای پایان نامه هایی از سوی فرقه و با امضاء رهبر فرقه صادر شده است. صدور پایان نامه بعد از 6 جلسه که فردی بالای سر مریض برود اساساً اشکال دارد و مهمترین مسئله در پرونده قضایی همین است که چطور با 6 جلسه ای که برای یک فرد می گذارند به او مجوز می دهند که بالای سر مریض برود که مثلاً او را با روح القدس اتصال دهد؟! این پایان نامه ها (6 جلسه ای) اصلاً معتبر نیست و هیچ مرجع قانونی آن را نمی پذیرد و کسی که این سندها را امضا کرده است در واقع سند جرم خود را امضاء کرده است و هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که کسی با 6 جلسه آموزش بتواند امراض بیماران را رفع کند و مثلاً روح شرور را از کالبد جسمانی بیمار بیرون آورد و بعد به بیمار بگوید تو خوب شدی و اگر کسی کارش را قبول نکند به او بگویند تو در باند دارو هستی پس می توان نتیجه گرفت فرادرمانی یعنی درمان بدون دارو با اتصال به ناکجا آبادی به نام روح القدس حرکتی مداخله آمیز در درمان بیماران و به صورت غیرقانونی است.

وی افزود: جالب آنکه وقتی افراد آموزش دیده پای سوگندنامه ای را (که آنها ترتیب داده اند) امضا می کنند، ظاهراً به آنها چیزی تفویض می شود، یعنی اراده رهبر فرقه در فرادرمانی و اتصال به روح القدس به دیگران تفویض می شود!! خب اگر تفویض کردن اصالت داشت که انبیاء(ص) و ائمه(ع) ما چنین کاری می کردند. مگر حضرت مسیح(ع) مرده زنده نمی کرد، خب آیا این معجزه را به نزدیکترین کسانی تفویض می کرد؟ مگر چنین چیزی داریم؟ اینها مدعی هستند که ما به کاری که حضرت مسیح(ع) می کرده است، دست پیدا کرده ایم. خب باید به آنها بگوییم که حضرت مسیح(ع) چیزی را به کسی تفویض نکرد، اراده ای نه در تفویض داشت و نه اذن الهی به اینکار تعلق گرفته بود. اشکال اساسی این است که معلوم نیست تفویض اصلاً چیست؟ اینکه می گویند: فیض روح القدس از بار نظر فرماید، دگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد. این فقط در شعر است. مگر این فیض به رهبر این فرقه رسیده است؟ و مگر اذن الهی به او داده شده است؟ چگونه می تواند اثبات کند که با روح القدس در تماس بوده است؟ مگر روح القدس غیر از انبیاء و اولیاء الهی دارای عصمت با دیگران هم تماس دارد و یا وحی برای کسان دیگری هم نازل می کند؟

حمیدیان تأکید کرد: اینها مدعی هستند که این توانایی ها رحمت عام الهی است. خب! اگر عام است که باید شامل همه باشد و همه ما باید این توانایی را داشته باشیم و چرا فقط رهبر یک فرقه دارد و فقط او می تواند تفویض کند، و اگر خاص است که ائمه(ع) از اینها ارجح تر هستند اما وقتی به ایشان گفته می شود، ائمه که اولتر از شما هستند در این تفویض، می گویند نه ما کاری با ائمه نداریم و صراحتاً ائمه معصوم(ع) را کنار می گذارد.

برخورد با فرقه هایی مثل عرفان حلقه یک مسئله فرهنگی-دینی است

وی تصریح کرد: این فرقه با مظلوم نمایی سعی دارند افکار عمومی را از یک مسئله کاملاً فرهنگی و اعتقادی به مباحث سیاسی امنیتی بکشانند که این اصلاً واقعیت ندارد. آنها در این جزوه می گویند که معلم بی ادعای ما را گرفته اند در حالیکه اتفاقاً این معلم فردی بسیار پرمدعاست! اینکه شخصاً به روح القدس وصل است یا توانایی درمان دیگران را دارد و یا توانسته از عرفان به این توانایی ها برسد و مبتکر طب مکمل و سایمنتولوژی است (در حالیکه این طب سالهای قبل از اروپا به سایر مناطق رفت و اصلاً ربطی به این فرقه ندارد). و ... اینها همه ادعا است نه بی ادعایی! وی این ادعا را دارد که هر کسی حلقه را قبول ندارد در باند و مافیای داروست. مثلاً دو طلبه ای که در سخنرانی های مختلف خود سعی در روشنگری مردم نسبت به عرفان حلقه دارند را متهم به این مسئله کرده است ضمن اینکه در این جزوه از این دو تن به عنوان افراد بی سواد کم تجربه یاد شده است و باید گفت که این دو بزرگوار یعنی آقای «مظاهری سیف» و «جواد محرابی» قریب 20 سال است که طلبه هستند و اساساً کار طلبه این است که هر جا مطلبی دینی و یا مباحث فرقه ای مربوط به ادیان مطرح می شود را ببیند و این مسائل را رصد کند. چطور

این دو نفر بی سواد و کم تجربه هستند اما فردی که تنها با گذراندن 6 جلسه کلاسهای این گروه، دکتر می شود و بر بالین مریض می رود با سواد و با تجربه است و در مسیر کانال آگاهی قرار می گیرد اما طلبه 20 ساله نمی تواند؟ یا مثلاً طلبه ای دیگر در مشهد به نام آقای «ناصری راد» درباره واقعیت فرقه و شبه عرفان حلقه و رد آموزه های آنها کتاب نوشته است را مأمور امنیتی می خوانند تا با این حربه سخنان او را بی اثر کرده و دست به مظلوم نمایی بزنند.

این کارشناس فرقه نوظهور افزود: یک نکته حائز اهمیت این است که یک فردی به نام «میرحمید موسوی» در سایتش از مراجع در مورد عرفان حلقه سؤالاتی مبنی بر اینکه آیا اینها فرقه هستند، آیا جزء فرقه های ضاله هستند؟ ... کرده است و لذا مریدان این فرقه مدعی شده اند که قاضی و بازپرس پرونده مطالب این سایت را ملاک قرار داده است و به همین خاطر رهبر فرقه را دستگیر و زندانی کرده اند؛ در حالیکه این مطلب دروغ است چراکه بازپرس پرونده برای مراجع عظام جداگانه نامه نوشته است و سه تن از مراجع بزرگوار، گروه تحقیق تشکیل داده و 2 ماه، تمام کتب و جزوات و سی دی های اینها را بررسی کرده و نهایتاً اعلام کردند که فردی که این حرفها را زده مرتد است و کتابهایش جزء کتب ضاله و شرکت در کلاسهایش هم حرام است اما با این حال قاضی محترم پرونده تاکنون بر اساس فتاوی مراجع هم عمل نکرده است و معتقد است طبق شرع نورانی باید در این رابطه حکم ولی فقیه را داشته باشد، در واقع این گزارش و بررسی به قاضی کمک کرد که افکار و آموزه های انحرافی این فرد بررسی و روشن شود.

پاسخ به برخی مدعیات و شایعات/ کسی که ادعای عرفان می کند چرا باید دست به خودکشی بزند

وی یادآور شد: در برخی جاها این مسئله را عنوان می کنند که این فرد (رهبر فرقه عرفان حلقه) حتی تا زمان تشکیل دادگاه از هیچگونه مرخصی و آزادی موقت برخوردار نبوده است و این سخن دروغی است چون وی 89/1/29 بازداشت شد - آن هم نه در مقابل منزل و در جلوی چشم خانواده که برخی این مطلب را شایعه کردند- و 2 ماه بعد آزاد شد و به مدت 10 ماه در آزادی به سر برد و در نهایت با یک قرار کتبی آزاد شد و کتباً نوشت که من بیرون می روم و دیگر کلاس های عرفان و... برگزار نمی کنم و فقط یک دفتر خواهم داشت و با چند پزشک به مطالعه علمی می پردازم. اما وقتی که از زندان آزاد شد، شروع به فعالیت مجدد و تولید و پخش سی دی و ساماندهی اعزام گروه به ارمنستان کرد و ارتباط با خارج را از سر گرفت که البته چند بار به او تذکر دادند ولی توجهی نکرد برای همین مجدداً دستگیر شد و پس از مدتی دادگاه وی در 4 جلسه به مدت 20 ساعت تشکیل و وکیلش از وی دفاع کرد و پس از صدور احکام قضایی مجدداً دادگاه تجدید نظر وی این بار با سه وکیل برگزار شد اما مجدداً همان احکام اولیه باقی ماند و وی در حال حاضر در حال گذراندن دوره محکومیت 5 ساله خویش است. (گفته می شود وکلای وی دفاع خوبی هم داشته اند)

حمیدیان در ادامه به قرائت بخشی دیگر از جزوه ای که از سوی پیروان عرفان حلقه به طرفداری از فرقه منتشر شده است، پرداخت و گفت: در این جزوه عنوان شده است که او مجبور به خودکشی شده است. که این اصلاً صحت ندارد و یا ماه ها است مبادرت به اعتصاب غذا کرده است. اولاً کسی که مدعی عارف مسلکی است و از لحاظ معنوی خود را در جایگاه والایی معرفی می کند چطور دست به خودکشی می زند؟ و ثانیاً در طی این دو سال بارها و بارها پیروان او در سایتها و جاهای مختلف عنوان می کنند که دو ماه است که او در اعتصاب غذا به سر می برد و هنوز در همان دو ماه مانده اند! علاوه بر این در جواب آنها باید گفت که شما مدعی هستید که وی دارای قدرت و نیرویی است که می تواند ماهها چیزی نخورد و زنده بماند! پس چرا نگران بیماری و مرگ او هستید؟ و حتی بر فرض آنها خودکشی او هم نگرانی ندارد چراکه بر اساس تعریفی که اینها ارائه می دهند، خب، او هر گاه از دنیا برود با خدا به وحدت می رسد! پس چرا نگران به وحدت رسیدن او هستید؟!

تصریح پیروان عرفان کیهانی بر دف زنی و پایکوبی در روز عاشورا / رهبر فرقه تحت آموزه های رانیلیستهای ترکیه قرار گرفته است

وی افزود: مگر او نمی گوید که انسان در حلقه معرفتی به مرکز وحدت می رسد که آن مرکز خداست و با این تعریف، خدا هم به انسان می گوید یا بیا قدرت خدائیم را به تو بدهم و برو یک جهان را خدایی کن یا بیا با من در وحدت باش؟! خب تو اولین کسی در عرفان حلقه خواهی بود که به وحدت با خدا می رسی چرا نگرانی؟ شما که (متأسفانه) نوشته اید: امام حسین (ع) که در روز عاشورا شهید شد ما بیاییم لباس زرد و قرمز بپوشیم و دف بزنیم و برقصیم چون او به بهشت رفته است!!! پس طبق تعاریف خودتان، تو هم هر گاه بمیری باید دیگران به سر قبرت بیایند، دف بزنند و برقصد چون تو نیز طبق اعتقادات کیهانی ات به خدایی رسیده ای! اینکه نگرانی ندارد!

وی تأکید کرد: اینها بحث شان این است که خدا متشکل از اجزاء است- جزء نباشد کل هم نیست- و ما اجزاء هستیم که خدا را تشکیل داده ایم و وقتی خدا این جزء را به سمت خود می برد مجبور است قدرتهای خودش را به ما بدهد چون ما جزء بودیم که خدمت کردیم حالا باید پاداشی به ما بدهد که ما هم خدا شویم و برویم یک ناسوتی را (نعوذ بالله) خدایی کنیم مثلاً کره و

کهکشانی را خلق کنیم و آفرینشهایی داشته باشیم و خدایی کنیم کما اینکه «رئالیسم‌ها» چنین تعاریفی دارند آنها بر این باورند که موجوداتی که در کیهان وجود دارند 25 هزار سال از ما جلوتر بوده و از ما پیشرفته ترند و ما ساخته و بنده آنها هستیم و اگر بخواهیم نابود هم شویم آنها باید ما را نابود کنند و ما هم به آنها نمی‌رسیم چون آنها به لحاظ تمدنی خیلی از ما جلوتر هستند. دقیقاً زمانی که «رئالیست‌ها» در ترکیه رشد کردند که رهبر این فرقه در ترکیه به سر می‌برد یعنی سالهای 64 تا 67 و به نظر می‌آید در آنجا تحت این آموزه‌ها قرار گرفته است و به هیچ وجه این نبوده که در دانشگاه ترکیه درس خوانده است.

جزئیاتی از پرونده قضایی رهبر فرقه عرفان حلقه

این کارشناس با اشاره به روند پرونده قضایی رهبر فرقه عرفان حلقه افزود: رهبر فرقه به چند جرم متهم شده است از جمله فساد فی الارض، توهین به مقدسات، دخالت در امور پزشکی، تهیه و تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز با فعالیت‌های غیرقانونی در این زمینه، ارتکاب به فعل حرام (گرفتن دست زنان نامحرم تا به عنوان درمان بتواند به قول خودش ویروس غیر ارگانیک از بدن آنها خارج کند)، تحصیل مال نامشروع و کلاهبردای و استفاده غیرمجاز از عناوین علمی.

وی تصریح کرد: این شایعات که رهبر فرقه کیهانی علم و معرفتی دارد و به خاطر آن دستگیر شده اساساً دروغ است بلکه او یک مجرم و یک متخلف است که از قوانین کشور تخلف کرده است. او اساساً به قانون اعتقادی ندارد و می‌گوید این قانون جلوی راه رشد علم را گرفته است! پس باید از او پرسید: این همه دانشگاه، پزشک، دانشجو، مراکز علمی و تحقیقاتی، المپیادها و ... اینها همه مخالف علم است؟ علم در تعریف او چیست؟ آیا فقط آنچه او می‌اندیشد علم است؟ تازه کسی با تفکر او مخالفتی نکرده است، اگر تفکر علمی دارد و می‌خواهد در حوزه پزشکی یا اسلحه سازی کار تحقیقاتی بکند مشکلی نیست؛ اما اینکه با جعل مجوزی بگیری و در ادامه، در کارهای بعدی مجوز نگیری این که نمی‌شود، طبق قانون هر کسی که ثبت شرکتها دارد در هر مرحله ای که کاری می‌خواهد انجام دهد یا برای برگزاری کلاس، یا تولید کتاب، سی دی و... باید مجوز بگیرد. شما نوارهای موسیقی پخش کردید اما یک مجوز از مراکز موجه و ذیصلاح بر روی آن نیست.

وی افزود: شما کتابی را با مقدمه دکتر منصوری لاریجانی بدون مجوز توزیع کرده اید و در ارمنستان همین الان چاپ می‌کنید و در ایران بدون مجوز توزیع می‌کنید که همه اینها تخلف است. آقای منصوری لاریجانی می‌گوید من این مقدمه را برای کتاب این شخص ننوشته‌ام بلکه این مطلب را که نوشته بودم یکی از شاگردان او به عنوان مقدمه کتاب و بدون اجازه من منتشر کرد و در چاپهای بعدی نیز به اعتراض من هم توجهی صورت نگرفت. همه اینها تخلف از قانون است، این فرد با پیروانش همه چیز را به هم ریخته اند و بعد مدعی می‌شوند که گاليله وار باید حق خودشان را بگیرند؟! در حالیکه گاليله برای زمانی است که تفتیش عقاید بوده است و می‌گفتند که چرا اصلاً گاليله اینگونه فکر می‌کند نه اینکه چرا عمل می‌کند. حتی به رهبر فرقه کیهانی گفته شد که ما به فکر تو کاری نداریم بلکه به خلافهای تو کار داریم مگر تو پزشکی که دست زنها را می‌گیری تا در بغل تو غش کنند! (فیلم موجود است) و می‌گویی می‌خواهم روح خبیث را از بدن آنها در بیاورم؟ این رفتارها غیراخلاقی، غیرشرعی و حتی خلاف ارزشهای فرهنگی ایران و اسلامی ما است. پرونده رهبر فرقه کیهانی با چنین اتهاماتی تشکیل شد ضمن اینکه چند شاکی خصوصی هم داشت، افرادی که می‌گفتند با دستورالعملهای او زندگی شان از هم پاشیده شده است و برخی هم بیمار بودند و پولی پرداخت کرده بودند اما هیچ تأثیری در رفع بیماری آنها نداشته و حتی بدتر هم شده اند.

تحصیل مال نامشروع در پوشش کلاسهای عرفان حلقه

حمیدیان در مورد تحصیل مال غیرمشروع رهبر فرقه عرفان کیهانی نیز گفت: این فرد هیچ کاری در سالهای بعد از انقلاب نداشته است، نه مغازه ای و نه استخدام در نهاد و سازمانی و نه اینکه استاد و نه معلم و نه مطبی و نه تجارتی داشته است، خب از کجا پولدار شده که چند خانه در تهران و کرج دارد؟ بالاخره باید درآمدی داشته باشد در حالیکه مدام می‌گوید من برای خودم پولی از مردم نمی‌گرفتم و هرچه بود خرج کلاس و سی دی و اجاره مکان برگزاری کلاسها می‌شد! پس این مال از کجا آمده است؟ ارث پدری که ایشان نداشته است پس باید پای یکی یا چند سرمایه گذار داخلی و یا خارجی این وسط باشد چون چنین سرمایه گذاری بدون منت و برنامه کاری انجام نمی‌دهند.

وی با اشاره به اینکه این فرد در طی 10 ماه آزادی فعالیت‌هایش را برخلاف تعهد کتبی افزایش داد، گفت: این فرد تصورش این بود که خب من هزینه داده‌ام و حالا وقت بهره داری است لذا طراحی کردند او را به نهادهای مختلف مثل مجلس و ریاست جمهوری ببرند که به مجلس رفت و خود را مهندس مکانیک معرفی کرد! و وقتی یکی از نمایندگان از یکی از مطلعین پرونده در مورد این آقا سؤال کرد و گفت گویا این فرد طرحهایی دارد و مهندس مکانیک است به ایشان گفته شد که خیر اصلاً مهندس نیست و اگر از او یک دیپلم پیدا شد معادل دکترا قبولش کنید، تازه در این مقطع هنوز دکترای افتخاریش از ارمنستان نیامده بود.

این کارشناس فرق نوظهور با اشاره به برخی اعترافات مکتوب رهبر فرقه عرفان حلقه تأکید کرد: از آنجا که اعتراف نزد قاضی محرز است، دیگر این فرد نمی تواند بگوید من این حرفها را تحت فشار و زور زدم. او در دادگاه این مطالب را می گوید: ... بنده قبول دارم بدون هرگونه مجوز دخالت در امور پزشکی نمودم و با توجه به اینکه پزشک نبودم در نتیجه آزمایش و اعمال فرادرمایی، غیرمجاز و غیرقانونی بوده است و نیز قبول دارم ورود من در حوزه مسائل دینی و عقیدتی و کلامی بدون داشتن تحصیلات دانشگاهی و یا تحصیلات حوزوی خاصی بوده است و قبول دارم بدون رعایت ضوابط و موازین قانونی و اداری از مراجع رسمی ذیربط اقدام به تدریس و انتشار و اشاعه تئوری ابداعی خود کرده ام.

استعلاماتی از مراجع ذیصلاح درباره مدعیات رهبر فرقه عرفان حلقه

وی در ادامه به قرائت استعلاماتی که از مراجع ذیصلاح درباره مدعیات رهبر فرقه عرفان حلقه صورت گرفته است پرداخت که به شرح ذیل است:

- یکی از مسئولان وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صدور مجوز با آرم دانشگاهی از سوی مؤسسه عرفان حلقه با امضای مسئول آموزشی دانشگاه را فاقد وجاهت قانونی دانسته است. (یعنی پایان نامه هایی که با آرم دانشگاه امضاء شده است، هیچ اعتباری ندارد.)

- یکی از مسئولان وقت دانشگاه علوم پزشکی : آقای... (مسئول وقت) با سوء استفاده از موقعیت، بدون اخذ مجوز اقدام به عقد قرارداد با این فرقه جهت برگزاری کلاسهای آموزشی فرادرمایی نموده است که تخلف ایشان محرز و از دانشگاه اخراج شدند.

- سازمان ملی جوانان: کانون عرفان کیهانی بدون اخذ مجوز اقدام به راه اندازی شعبه در برخی استانها و برگزاری کلاسهای آموزش عرفان کیهانی نموده است و این خلاف اساسنامه آن می باشد و اعتبارنامه کانون عرفان کیهان پس از یکسال از تاریخ 86/10/11 تمدید نگردیده است.

- وزارت علوم هم می گوید هیچگونه سابقه ای از ارزشیابی مدرک تحصیلی خارجی در وزارت علوم وجود ندارد. این وزارت مجوزی جهت برگزاری دوره های عرفان حلقه صادر نکرده است.

- پزشکی قانونی: هرگونه دخالت در درمان بیماران اصولاً باید تحت نظر پزشک و یا مجوز نهادهای مسئول و ذیصلاح صورت گیرد.

- سرپرست وقت اداره کل امور کتاب وزارت ارشاد: چاپ مجدد و پخش کتاب «انسان از منظر دیگر» ممنوع است.

- سرگروه وقت روان شناسی و عرفان اداره کل کتاب: عرفان کیهانی امامت ستیز و ولایت ستیز است. تعالیم آن آدمی را از نماز دور می سازد. برداشتهای معارفی از عرفان مورد نظر ایشان با ایجاد شبکه های خاص، باعث انحرافی بیش نیست که بعدها دامنه آن گسترش خواهد یافت. بدعت این فرقه در خصوص نماز چیست؟ این فرقه نسبت به نماز می گوید همین که چشمانت را ببندی و به خیالات بروی یعنی دائم الصلاتی! برداشتهای مغالطه آمیز و التقاطی ایشان از قرآن و برخی روایات بسیار زیاد است. وی چندی پیش در ماه مبارک رمضان مقاله ای را به سایتها و برخی روزنامه ها داد و در آنجا انسان را به 4 گونه تقسیم کرده است: خدامحور خدامحور، خدامحور خدا محور، خودمحور خودمحور. و جالب آنکه او به صورت شفاهی خود را خدامحور خدا محور خوانده است. (یعنی به طور محرز یکی از اولیای الهی است)

حمیدیان در ادامه افزود: در مورد فصلنامه دانش پزشکی که 6 شماره از آن به بحث فرادرمایی اختصاص پیدا کرده بود هم آقای دکتر شهاب الدین صدر گفته اند که درج این مطالب در این نشریه بدون اجازه و اطلاع من صورت گرفته است. قانون مربوط به مقررات علوم پزشکی هم مقرر می دارد: هرکس بدون داشتن پروانه مردمی بر امور پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، آزمایشگاهی، مامایی و سایر رشته هایی که به تشخیص وزارت بهداشت و در مان و آموزش پزشکی جزو حرف پزشکی و پروانه دار محسوب می شود، اشتغال ورزد یا بدون مجوز اخذ پروانه از وزارت مذکور اقدام به تأسیس یکی از مؤسسات پزشکی مصرح در ماده یک نماید و یا پروانه خود را به دیگری واگذار نماید و یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد، بلافاصله محل کار او توسط وزارت بهداشت تعطیل و به پرداخت جریمه نقدی از 5 تا 50 میلیون ریال محکوم و در صورت تکرار به جریمه 100 میلیون ریال محکوم خواهد شد.

کلاسهای عرفان حلقه غیرقانونی و ممنوع است/ پشت پرده کسب چند دکتری افتخاری رهبر عرفان حلقه طی 10 ماه

وی تأکید کرد: با توجه به نظر وزارت بهداشت در این پرونده، رهبر این فرقه محکوم به پرداخت 50 میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت شد، در خصوص ارتکاب فعل حرام با لمس نامحرم با توجه به فیلم و تصاویر ضمیمه پرونده ارتکاب فعل حرام محرز است، زیرا متهم نه اجازه طبابت داشته و نه هیچ مجوز دیگری بر لمس دست نامحرم و نه هیچگونه علقه سببی بین آنها بوده است و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی مبنی بر اینکه شخص دچار حمله بیماری شده و رهبر فرقه برای آرام کردن وی

دستش را گرفته، غیرموجه تشخیص داده می شود زیرا فیلم موجود، حکایت از چنین امری ندارد، بلکه نوعی تئاتر تفاهم شده است برای به نمایش گذاشتن موضوع تخلیه از نگاه غیرارگانیک، لذا در این مورد وی مجرم شناخته می شود. ضمناً پروانه فعالیت مؤسسه عرفان کیهانی ابطال شده و در حال حاضر هر گونه برگزاری این کلاسها طبق قانون ممنوع است و در مجموع محمدعلی طاهری رهبر فرقه عرفان حلقه به 5 سال حبس و شلاق و پرداخت جرائم چند صد میلیونی نقدی محکوم شده است.

حمیدیان صدور دکترای افتخاری رهبر فرقه عرفان حلقه از ارمنستان را طبق نظر مراجع ذیصلاح غیرمعتبر خواند و گفت: جریان دکترای افتخاری این است که او در کمیته عرفان موسسه که خانم شهناز نیرومنش مسئول آن بود و الان به آمریکا فرار کرده است می گوید ما باید سریع در دانشگاه ارمنستان کرسی بگیریم چون دانشگاه ارمنستان فردا محل رایزنی تمام ادیان می شود و او در طی این 10 ماه آزادی این ارتباط را برقرار می کند و اعضای فرادرمانگر و مسترها را به آنجا می فرستد و از هر نفر 1300 دلار می گیرند که البته همه این مقدار را به دانشگاه ارمنستان نمی دهند. از آنجا گواهی نامه هایی را آورده اند که در آن 240 ساعت آموزش ذکر شده است در حالی که آنها تنها یک هفته در ارمنستان به سر برده اند!! البته اینها خودشان هم می دانستند که این مدارک در ایران ارزشی ندارد ولی معتقدند اروپایی ها این مدارک را می پذیرند و آنها می توانند در اروپا مطب بزنند! (ظاهراً اروپا را در این رابطه بی قانون می دانند!!)

این کارشناس فرقه و ادیان نوظهور تأکید کرد: در ایران ما چیزی به عنوان طب عرفان کیهانی و فرادرمانی نداریم و هیچ کس این را قبول ندارد و اینکه تنها با نگاه و بدون دارو می شود درمان کرد، شفایی است که ما فقط از ائمه و در توسلات از معصوم(ع) قبول داریم و یا اینکه فردی از اولیای خدا باشد که او هم باید دارای جایگاه معرفتی و اخلاقی والایی باشد. رهبر این فرقه هیچ دوره ای را در ارمنستان ندیده است و نه اینکه آنها به اینجا آمده اند که او را آزمایش کنند و همچنین ظرف یک فاصله 10 ماهه کسی نمی تواند 5 مدرک دکترای را از این ور و آن ور بگیرد و این مشخص است که یک برنامه طراحی شده است و نشان می دهد که این فرد ماموریتی دارد که کسانی یا سازمانهایی می خواهند او را کمک کنند. اگر هم اینها می خواستند این مدارک را به او بدهند خب، قبل از بازداشت می دادند در حالی که در این فاصله 10 ماهه آنها شروع کردند به اعطای مدرک و جوایز؛ جالب آن است که خیلی از این جوایز از سایتهایی است که اصلاً در دنیا مطرح نیستند. در این فاصله کوتاه سریعاً آذربایجان، ارمنستان، سوئد و... به وی مدرک دکترای می دهند. احتمالاً این یک طراحی و برنامه ریزی است تا احیاناً این فرد در ایران دچار مشکل نشود و به خاطر مثلاً چند دکتری افتخاری مصونیت داشته باشد که اصلاً این دکتراها واقعی نیست.

دریافتهای رهبر فرقه عرفان حلقه با کابالیستها همسو است/ تفسیرهای مادی از غیب و ملائکه

وی تأکید کرد: البته این مساله از قبل قابل پیش بینی بود که این موسسه یک ماموریتی در ایران دارد چرا که رهبر فرقه می گوید من هیچ استادی نداشته و آموزشی ندیده ام و فقط برایم آگاهی رسیده است، اگر این طور است پس باید از او پرسید چرا می گویی در ترکیه درس خوانده ای؟ علاوه بر آن مکانیک چه ربطی به علوم درمانی و پزشکی دارد؟ درس عرفان هم نخوانده است و همه چیز را از یافته های خودش می داند. (و بهتر است بگوییم یافته هایش، نه یافته هایش) ولی جای تعجب دارد که یافته های او با یافته های کابالیستها (عرفان یهود) همسو است چرا یافته های وی که می گوید از روح القدس(!) رسیده با کابالیستهای یهودی یکی است؟! ضمن اینکه مبانی اعتقادی کابالیستی و مبانی ماتریالیستی در نوشته هایش موج می زند.

وی افزود: او در حالی که شیطان را به عنوان ملک می خواند می گوید: باید از او تقدیر کرد. همچنین او حضرت عزرائیل را آنتروپی و عامل مرگ همه چیز می داند مثلاً فاسد شدن میوه ها در اثر وجود عزرائیل (آنتروپی) است که این مطالب برگرفته از فلسفه ماتریالیستی است و چنین دیدگاهی اصلاً در اسلام وجود ندارد و یا ملائک را اوربیتالهای اتم و میادین مغناطیسی می خواند و توجیه اش این است که قدیم نمی دانستند اتم وجود دارد در حالی که در تفکر اسلامی و قرآنی ملائکه جزء غیب هستند. چگونه ملائکه اوربیتال اتم هستند و جزء دنیای مادی و قابل مشاهده؟ این برداشت کاملاً مادی است و کسی که ملائک را اوربیتال بداند تعریفش از خداوند نیز مادی خواهد بود. یکی دیگر از مواردی که باید بگوییم آموزه های التقاطی با مسیحیت است؛ رهبر فرقه اظهار می دارد: در واقع پدر آسمانی همه روح القدس است و منشا همه این مطالب را آگاهی و دریافت خویش می داند.

علت گرایش برخی به فرق و عرفانهای نوظهور

حمیدیان در مورد علت گرایش افراد به این گونه گروهها گفت: بعد از جنگ جهانی دوم اروپا به این نتیجه رسید که دو چیز کم دارد یکی معنویت و یکی خلاء شادی که باید در کسب این دو تلاش کند. در بحث معنویت یهود توانست گوی سبقت را ربوده و به قولی با تامین معنویت، افسردگی را در این کشورها جبران کند، به خصوص کشورهایی که در حال صنعتی شدن بودند به

همین دلیل می بینیم که در این زمان ادعاها در اروپا زیاد می شود مثل ادعای با مسیح بودن، رسالت جهانی داشتن، فرود آمدن از آسمان و ادعای ماموریت جهانی و غیره. بعد از جنگ تحمیلی ما شبیه این مساله اتفاق افتاد و به یکباره بحث شاد کردن مردم بسیار پر رنگ شد و اینکه مردم ما غمگین هستند چرا باید زنها این قدر سیاه بیوشند باید شاد باشند و ... بحث دیگر در مورد معنویت است این معنویت در حدی در ما وجود داشت اما در این زمان هر کسی احساس می کرد می تواند معنویت را برای دیگران تعریف کند و تجربه خود را در اختیار دیگران بگذارد در اینجا یکباره عرفانهای مختلف چه آمریکای لاتین چه عرفان شرقی به ایران وارد شد و عرفان سرخپوستی به جای معنویت اسلامی جایگزین گردید و کتب پائولو کوئلو و ... ترجمه شد و افکار و باورهای آنها در قالب داستان به مردم عادی تزریق گردید و کم کم آنها را از معارف اصیل اسلامی دور ساخت.

این کارشناس فرق و ادیان نوظهور تصریح کرد: چیزی که برای این افراد متمایل به این گروه ها جالب است اینکه فرد بدون قید و شرط با آموزه های آنها همراه می شود و دختر و پسر با هم در این مسیر حرکت می کنند و ازدواجهای معنوی در همین قاعده شکل می گیرد و می گویند که ما نیاز داریم بحث عرفانی را با هم داشته باشیم پس یک ازدواج عرفانی را صورت دهیم تا در کنار یکدیگر بودن خود را توجیه کنند. البته اینها در کوتاه مدت به لحاظ روحی ارضا می شوند چون حالا هم صحبت عرفانی دارند و اختلاط و شب نشینی ها را نیز از دست نمی دهند و مربیانی دارند که هیچ تشرعی ندارند و معتقدند که باید جهشی از شریعت به سمت طریقت و بعد حقیقت! داشته باشند. لذا برخی از این گروهها بحث شان این است که با ورود به ترم اول، شما به حقیقت رسیده اید! اما این حقیقت چیست؟ خود اینها هم نمی دانند حقیقت چیست.

شریعت گریزی در فرق نوظهور/ تقدیس شیطان در عرفان حلقه

وی افزود: در واقع خیلی از چیزها توجیه می شود یعنی مدیتیشن جایگزین نماز می شود چون کانالهای آگاهی بر رویت باز می شود و هیچ لزومی ندارد قید و بندی داشته باشی و ... این مسائل برای جوانانی که نمی توانند قید و بندی بپذیرند تامین کننده است. شما ببینید کسی که وارد گروه منافقین شد دنبال چه بود و چرا این قدر به این گروه علاقه مند می شود و حتی حاضر است پدر و برادر خود را در این راه ترور کند؛ چون می بیند اینها به نوعی خلاء روانی و روحی او را پر کردند مثلاً مسئولیت دادند. لذا سر سپرده می شود. در همین گروههای عرفانی این سر سپرده گی بسیار خطرناک است چون به راحتی دست به هر کاری می زنند. اینها فکر می کنند مثلاً شبه عرفان حلقه یا ایلینا رام ... و غیره خلاء معنوی آنها هست چون مطالعه هم ندارند و سریعاً می خواهند به چیزی دست پیدا کنند مثلاً می خواهند با یک نگاه به لامپ آن را بترکانند و لذا حقیقت را در این امور سخیف می پندارند و آدرس را اشتباه می روند.

وی با بیان اینکه نحوه جذب افراد در گروه عرفان حلقه از طریق چهره به چهره و شبیه سیستم هرمی است، افزود: رهبر حلقه هر چه می گوید از خودش نیست بلکه اینها تماماً از مکاتب و عرفان های شرقی و یهودی و مسیحیت به ویژه عرفان یهود است به این معنا که یهود شجره ممنوعه را درخت آگاهی می داند و بر این باورند که هر آگاهی دارند از آن درخت می گیرند به همین دلیل شیطان را تقدیس می کنند. قبل از اینکه وی بخواهد این چیزها را بگوید دیگرانی گفته اند و او هیچ چیز از خود ندارد و در واقع به او آموزش داده شده است. مثلاً در این فرقه بحثی به نام «اسب تراوا» دارند که حدود 50 الی 60 سال پیش بین کلیسا و روانشناسان اروپا در این باره دعوا بود. یا بحث صدابگردانی و شعور و ضد شعور را مطرح می کنند مثلاً در پیامها من نوعی حرفی می زنم ظاهراً می شنوید اما پیامهایی در پس حرف من هست که در ذهن شما جای می گیرد و بعداً شما را منفی می کند. وقتی از آنها سوال می کنید که از کجا می شود فهمید این فردی که در حال صحبت کردن است پیامش منفی است؟ می گوید باید صدای او را برگردان کنید!

کارهای غیر اخلاقی و غیرانسانی به بهانه اصلاح نیت/ برگردان صدا بحثی با سابقه 60 ساله در اروپا

حمیدیان افزود: اولاً این کار با سیستم کامپیوتری است که اصلاً اینها (فرقه عرفان کیهانی یا حلقه) آن را اختراع نکرده اند و ثانیاً صدا برگردان هم اصلاً ابداع اینها نیست و در اروپا مطرح بوده است. برگردان صدا این نیست که عین کلمه مثلاً آب، بشود با، شاید بشود مثلاً قندان و ... در واقع این کار برای گروه حلقه و رهبر آن نیست که آنها با آب و تاب آن را در کمیته موسیقی خود مطرح می کنند ضمن اینکه رهبر این فرقه کتباً نوشته است این کار غیر انسانی و غیر اخلاقی است و باید حذف شود ولی می بینیم که این مساله را در 10 ماهی که آزاد شد نه تنها حذف نکرد بلکه دوباره بر آن تاکید کرد. سوال این است که آقای شعور کیهانی! تو که صحبت از آگاهی می کنی از کجا می فهمی که پشت این حرف، نیت دیگری نهفته است؟ آیا نیت غیر این است که تا به انجام نرسد معلوم نمی شود؟ مثلاً نیت من این است که این شیشه را بشکنم ولی تا این سنگ را پرت نکنم و آن را نشکنم به نیت من آگاهی پیدا می کنید؟ یا باید نیت خود را بگویم یا این عمل شکستن را انجام دهم. آیا با برگردان صدای من می توانی به نیت من پی ببری؟ شاید از برگردان صدای من مطالب دیگری در بیاید و واقعا هم همین طور است چون ما امتحان کردیم و صدای یکی را برگردان کردیم اما هر کسی یک چیزی را برداشت کرد. اما اینکه به این کار یک وجه درست بدهیم این خیانت است و باعث اختلاف و فتنه انگیزی بین آدمها و خانواده ها می شود ولی تنها خداست که به ذات نیت ها

آگاه است. لذا این کار بسیار عبث و بیهوده است و هیچ چیز را اثبات نمی کند.

این کارشناس فرق و ادیان نوظهور تأکید کرد: علاوه بر این، روش برگردان صدا یا بک مسکینگ طرح اینها نیست بلکه 50 سال پیش در اروپا سر این موضوع دعوا بود که آیا صدا برگردان وجود دارد یا خیر؟ اما اینها این مساله را به اسم خود تمام کرده اند و مثلاً می آیند موسیقی صدا و سیما را می گذارند و می گویند اینها شیطانی است حتی صدای آقای بنیامین را این گروه برگردان کردند و گفتند شیطانی است البته آقای بنیامین از آنها شکایت کرد. (بنیامین خواننده محبوبی است که در یک خانواده موجه و متدین بزرگ شده است و برادرش مداح است و خود او نیز اشعاری در مدح اهل بیت دارد.)

اولین شاخصه فرقه خودخواندگی رهبر فرقه است

وی در پایان تأکید کرد: به هر حال باید بگویم عرفان کیهانی یا عرفان حلقه فرقه هست و اولین شاخصه فرقه خودخواندگی رهبر فرقه است و این فرد (رهبر فرقه) هم قسم خورده و نوشته که نه کتابی خوانده و نه استادی داشته و هرچه دارد از دریافتهای خودش هست؛ پس یعنی خودخواندگی و یعنی در ترکیه هم درس نخوانده است! حالا از کجا که این دریافتهای جبرئیلی است شاید شیطانی باشد چون بالاخره همه ما یک دریافتهایی داریم چگونه می شود که دریافتهای وی تبدیل به این مسائل (فرادرمانی) و آنهم الهی می شود؟! مشخص نیست. ضمن اینکه تعریف اینها از دریافت الهی با آنچه در اسلام و قرآن آمده در تضاد است. پیروان حلقه باید این مسائل را از دایره دین و شریعت و اسلام خارج کنند و این آموزه ها را در دایره دین نیاورند چون به هیچ عنوان این مسائل دینی نیست. چراکه رهبر این فرقه به ضروریات دین مثل خمس، زکات و... باور ندارد و آن را به گونه دیگر تفسیر می کند. در پایان از اینکه مطالبی گفته شد که حتی بیانش کفرآمیز است از همه خوانندگان عذر می خواهم.